

## عدالت و نظام قضا در سیره و اندیشه امام خمینی

□ آیت الله درى نجف آبادى

الف- پانزده نکته درباره حکومت و سیاست از دیدگاه امام

- ۱- حکومت خود وسیله است نه هدف.
- ۲- حکومت امانت است نه پست و مقام.
- ۳- حکومت تکلیف است نه تشریفات و تکلفات.
- ۴- هدف خدمت است نه سربرار بودن و یا غارت کردن اموال عمومی و یا سوءاستفاده از

حکومت

- ۵- حکومت عبادت است و نیاز به اخلاص و انگیزه الهی و تقوی دارد.
- ۶- حکومت برای اجرای عدالت است و عدالت و قسط اصل است.
- ۷- حکومت مبارزه با فساد است.
- ۸- حکومت امر به معروف است.
- ۹- حکومت نهی از منکر است.
- ۱۰- حکومت ارتقای ارزشها و اخلاق است.
- ۱۱- حکومت ولایت الهی است و قانون خداوند حاکم است. و شخص مجری دستورات الهی است.
- ۱۲- حکومت تبلور ولایت الهی در شخص حاکم و والی است.
- ۱۳- والی مظهر تحقق اسمای الهی در جامعه است.
- ۱۴- حکومت مصداق دولت کریمه است. اللهم انا نرغب اليك في دولة کریمه
- ۱۵- مفهوم حقیقی ولایت سیرالی الله و سفر الی الحق و وصول به مقام ولایت الهی و عبور از حجابهای مادی و ظلمانی و حجابهای باطنی و نورانی است تا مقام فنای فی الله و بقاء بالله و تحقق به مظهر جمال و جلال الهی و اسمای حسنا و صفات علیا و مظهریت برای اسمای حضرت

حق و ولی کامل مظهر اسم اعظم و تجلی اعظم است. و آنچه در این مرحله تحقق می یابد و اشراق و افاضه می شود نور الهی است. و عارف بالله و مؤمن بالله و سالک سبیل الی الله جز خدا نمی بیند و جز رضایت خداوند نمی خواهد و جز ولایت او نمی پذیرد و مقام، رضوان الهی و میزان، حق و عدل و قسط است و میزان الله الذی وضعه و صراطه اقوام الهی اند.

با عنایت به آنچه گفته شد، مقام قضاوت نیز شاخه ای از شاخه های شجره نبوت و ولایت است. و جز فقهای عدول کسی شایستگی آن را ندارد و مقام ولایت و نبوت و امانت الهی است.

بنابراین قضات باید بر اهمیت جایگاه رفیع خود واقف باشند. البته مقامات معنوی انبیا و اولیا(ع) بسیار رفیع و از ادراک ما خارج است. لیکن ما در رتبه نازل منزله آن بزرگواران و شرط عدالت و تقوی برای رعایت کامل حدود الهی و پرهیز از هوا و هوس است. بعلاوه رسالت بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. و نیز احقاق حقوق محرومان و ستمدیدگان و مظلومان است. و مبارزه با ظالمان و مفسدان و صهیونیزم و استکبار است. و علاوه بر تمامی جهات یاد شده معلمان و مربیان و الگوهای غرب و شرق و عدالت برای جامعه اسلامی و چراغ راهنمای امت و وسیله خیر و صلاح و خدمت و نایب از سوی ولی عصر (ارواحنا فداه) می باشند. حکومت شخص و اشخاص نیست. نظیر حکومتهای مشروطه و استبدادی و جمهوری های متعارف دنیا نیست. بلکه حاکمیت از آن خداوند متعال و احکام اسلام است. و شخص حاکم مجری احکام الله است.

آری در تمامی این مسئولیتهای خطیر باید روح صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا لهواه و مطیعا الامر مولاه حاکم باشد. و حاکم بعنوان مجری اوامر الهی اقدام نماید. و قانون خدا را اجرا کند و قانونگذار واقعی خداست.

امام می فرمود: وقتی که قلب الهی باشد همه چیز الهی می شود. یا می فرمود: اسلام آمده انسان درست کند و انسان همه چیز است، همه عالم است و انسان. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۳۰) در اینجا به چند مطلب اشاره می شود.

#### ب- هشت نکته درباره احکام قضایی امام

۱- دستورات امام راحل (رض) در سالهای اول انقلاب در مراحل مختلف نشانگر جایگاه رفیع دستگاه قضائی و قضات در اسلام و رسالت خطیر این دستگاه است.



۲- امام (رض) در پیام ۸ ماده ای خود به ابعاد مهم حقوق ملت و مراقبت از آن اشاره فرمودند و از تندرویهای بیجا و تخلف از قوانین و اقدامات خودسرانه و خارج از معیارهای قانونی و شرعی با شدت انتقاد فرمودند و دستورات اکیدی را در این رابطه به مسئولین امر دادند تا نظام قضائی عدالتخواه و عدالت گستر بر جامعه حاکم باشد. و حبّ و بغضها و حوادث مربوط به شرائط و دوران پیروزی انقلاب نیز موجب ظلم و اجحاف و بیعدالتی و تبعیض نشود.

۳- سفارش امام به دادگاهها و دادرها و دادستان انقلاب و سرعت رسیدگی به وضعیت زندانیان و مرزبندی بین مجرمان و غیر مجرمان و تأکید بر آزادی آنان که مجرم شناخته نشده اند و اینکه باید با قید کفالت آزاد گردند و ضعف کادر قضائی و بازپرسی دادرها معجز نگهداری متهمان در بلا تکلیفی نمی باشد. (فرمان ۵۸/۴/۱۶)

۴- یا در بیان دیگری فرمودند دادگاه ها باید به تمام معنا اسلامی و توجه به اینکه خدای نخواستہ یک بی گناهی یک وقت گرفتار نباشد. یا یک کم گناهی زیاد از اندازه به او تحمیل نشود، این از مسائل مهم است. (۵۸/۲/۲۳)

۵- آنچه در اسلام و فرهنگ اهل البیت (ع) و امام راحل و فقه آل محمد (ص) بیشتر از همه می درخشد عدالت و عدالت محوری، حرمت و کرامت انسانها، اصل برائت، اصل تناسب جرم و مجازات، اصل صلح و اصلاح و اصلاحگری و داوری، اصل عفو و اغماض، اصل مساوات در برابر قانون، اصل حرمت و کرامت و آزادی انسانها، اصل حفظ حقوق انسانها، تقدم اصل پیشگیری بر اصل علاج و درمان و ده ها اصل نورانی دیگر است.

۶- موضوع بسیار مهم دیگر اصل استقلال قاضی و استقلال دستگاه قضا در اسلام است که از اهمیت بسیار بالائی برخوردار است و قضاوت شریف ترین شغلهاست. و قاضی باید پاک ترین و شایسته ترین انسانها باشد. و در مقام و مسند قضاوت جز به خدا و حق و وظیفه و تکلیف به چیز دیگر نیندیشد. و همه حق دارند از یک دادگاه منصفانه برخوردار و بهره مند باشند. و این از حقوق اولیه انسانهاست و دادگاه طاغوتی و فرمایشی نظیر آنچه قبل از انقلاب اسلامی بوده و یا نظیر آنچه امروز در کشورهای بحرین و آل سعود و سرزمینهای اشغالی حاکم است. هرگز ارزش و اعتباری

نخواهد داشت. و اقرار و اعتراف از روی زور و اجبار و تهدید و ارعاب به ویژه در حق دیگران نیز از دیدگاه اسلام جایگاهی نخواهد داشت.

۷- دستگاه قضائی و آئین دادرسی و قاضی کاملاً باید بی طرف، عادلانه و منصفانه باشد. و متهم بطور کامل بتواند از خود دفاع کند و حقوق متهم در آن رعایت شود و محیط دادگاه محیط عدل و انصاف باشد نه محیط وحشت و ارعاب و مقدمات نیز کارشناسانه و عادلانه و به دور از حبّ و بغض های شخصی و جناحی و سیاسی و سلیقه ای باشد و قاضی در مقام قضاوت نباید تحت تاثیر هیچ عاملی جز وظیفه، حق و تکلیف، عدالت و انصاف قرار گرفته باشد. و روابط سیاسی، اقتصادی و خویشاوندی و خانوادگی، رفاهی و مادی یا تمایلات عاطفی و یا سیاسی نباید در کار قاضی و در کار قضاوت کوچکترین تاثیری داشته باشد.

۸- آری آنچه در دادگاه، قاضی، کارمندان دستگاه قضائی، مراحل مختلف امر قضائی اعم از حقوقی و کیفری و یا خانوادگی نافذ است و دخالت دارد یک چیز بیشتر نیست و نخواهد بود و آنهم رضایت خداوند ادای تکلیف، احقاق حق، احیای عدالت، اجرای قانون عدل و انصاف، احقاق حقوق مظلومان، حکم بحق و صیانت از حقوق عامه است. قاضی باید سعی کند به تشخیص درست برسد و آنگاه طبق قانون حکم درست صادر نماید و سیستم قضائی نیز باید بکوشد تا در ایفای وظیفه قانونی و شرعی و وجدانی و اخلاقی خود به اقناع وجدانی و طمأنینه قضایی برسد و بر اساس آن و ادله روشن و مستندات متقن و براهین و شواهد و قرائن قابل اعتماد به اصدار رأی اقدام نماید. و از شتابزدگی و عجله در کارها جداً پرهیز نماید. و رضایت خداوند را در کارها اصل قرار دهد و قواعد قضائی و اخلاقی و اصول و مبانی رسیدگی را بطور دقیق رعایت کند و به اصول متخذ از قرآن کریم و نهج البلاغه شریف و روایات اسلامی و تجارب بشری کاملاً پایبند و مقید باشد. و در کلیه امور و شئون مربوط پا را از صراط مستقیم ایمان و عدالت و انصاف و رضایت خداوند متعال فراتر نگذارد که خسارت دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت. و ضوابط و قواعد و اصول قانونی و اخلاقی و مبانی پذیرفته شده قضائی و رویه های حکیمانه و تجربه های ارزشمند گذشته و بشریت را بطور کامل و دقیق رعایت کند. و شخصیت قاضی و ظرفیت های فکری و



اخلاقی و اعتقادی او باید از جایگاه رفیعی برخوردار باشد.

تا او را مانند کوهی با صلابت در جایگاهی بلند و خداپسندانه قرار دهد و در نظام قضائی نیز باید آنچنان حرمت و کرامت او مورد توجه قرار گیرد که چشم طمّاعان از طمع و وسوسه های شیطانی و دغدغه های نفسانی و سخن چینی درباره او به دور باشد و موقعیت او باید از شرّ دشمنان و حسودان در امان باشد و صلابت و شخصیت و عملکرد او باید زمینه هر گونه ابهام و اتهام و گرایش های ناصواب و انگ های جاهلانه یا مغرضانه را از بین ببرد. سوابق و اعتبار و اعتماد عمومی باید به گونه ای باشد که همه قول او را قول فصل و رای او را رای حق بدانند و در برابر احکام صادره احساس اعتماد نمایند. و البته این تکلیف مهم و رسالت بزرگی است که بعهدہ قضاه پاکدامن و شریف و عدالتخواه نهاده شده تا شان قضا محفوظ و تیغ دستگاه قضا برنده و اهمال در انجام وظائف بدور باشد. در اینجا به دیدگاه اسلام و امام راحل درباره رسالت بزرگ دستگاه قضایی اشاره شده و امید است خدمتگذاران حوزه قضا و نهادها و سازمانهای وابسته مانند پزشکی قانونی، سازمان زندانها، شوراهای حل اختلاف، سازمان قضایی نیروهای مسلح، سازمان ثبت اسناد و املاک و ضابطین عام و خاص و نهادهای شبه قضائی و تعزیرات حکومتی و دادسرای انتظامی قضا و کارکنان مربوط با همت بلند و عشق بحق بتوانند الگوئی کارآمد و تاثیر گذار و عدالتخواه به جامعه و تشنگان عدالت ارائه نمایند انشاءالله بمنه و کرمه

### ج- بیست نکته درباره عدالت و نظام قضا از دیدگاه امام خمینی

- ۱- امام خمینی، عدالت را غایت برپایی حکومت اسلامی می دانست و شأن قضا را، تحقق گر عدالت و رکن رکین آن می دانست.
- ۲- اهداف غائی، میانی و طریقی حاکمیت در انگاره فکری امام، در افق دین اسلام تعریف شد و مردم انفکاک در حکمت عملی امام با حکمت عملی اسلام نمی دیدند. و او را نمونه اسلام مجسم، اسلام مساوات، اسلام عدالت و زهد و آزادگی بحساب می آوردند.
- ۳- شأن قضاوت و مسند قاضی و تشکیلات قضا از منظر امام، قدسی بود و پاکی آن لوازم و مقدماتی در پی داشت که در رأس آن عدالت بود. امام عدالت را مایه قوام و مستمسک حیات و

پایایی جامعه می دانست و نقش دستگاه قضائی را در این پروسه، محوری مقدماتی و بنیادین تلقی می نمود.

۴- امام شرط اصلاح جامعه را، اصلاح سامانه قضائی با رویکرد عدالت محوری می دانست.

۵- دستگاه قضائی سالم، سلامت جامعه را تضمین می کند. سرمایه انسانی مضاف بر سامانه

تشکیلاتی قویم و قدر، اقتدار و عدالت و امنیت را چنانچه بایسته است تضمین می کند.

۶- و آئین دادرسی حکیمانه و قوانین راهبردی عدالت خواهانه قوانین به ویژه در بخش

قوانین و مجازاتهای کیفری و عدالت کیفری و عدالت ترمیمی و تناسب جرم و مجازات و

اختیارات حاکم با قواعد امره و مجازاتهای تعزیری و تشریح ابعاد مجاز آن را متناسب و منطبق به

شرائط محیطی، اجتماعی، قضائی و حقوقی و خانوادگی و مصالح عموم و عنایت به این امور برای

سلامت دستگاه و جامعه، پیشگیری و علاج، مجازاتهای تعلیقی و قطعی، بازدارنده و عبرت آموز،

توجه به مصاح فرد و خانواده و جامعه، رعایت حدود شرعی و حقوق انسانها و حقوق بشر اسلام،

رعایت عدالت و کرامت انسانها و ترکیبی بین عدالت و کرامت و حرمت انسانها و حرمت شرع

انور و تلفیق مصالح عمومی با منافع اشخاص و سلامت جامعه و امنیت خانواده ها و امنیت عمومی

و حفظ نظم و قانون و حقوق فرد و جمع و صیانت از ارزشها و سلامت همگان و نظارت بر حسن

اجرای مجازاتها و قوانین کیفری و اصلاح مجرمان و شرائط باز دانشگاهها و حمایت از متهمان و

خانواده آنها و نیز خانواده بازداشت شده گان و ارتقای سطح سلامت فردی و عمومی ندامتگاهها

و ده ها اصل دیگر از اموری است که باید در جهت تحقق اهداف و نظام قضائی اسلام به آنها

توجه جدی مبذول گردد. و صرف سخن گفتن در این باب کافی نمی باشد. بلکه میدان چالش

قانون، آئین دادرسی، اقدام و رابطه و تعامل متهمان و مجرمان با عدالت و دستگاه عدالت است.

در اندیشه امام کرامت انسانها و تکریم خلیفه الله یک قاعده گوهرین بود. او خود در عمل

به لوازم آن پایبند بود.

۷- امام حق الناس را بنا بر فریضه الهی بر حق الله مقدم می شمرد و دستگاه قضائی و

سکानداران قضا را نهیب می زد که مبدا یادتان رود مردم ولی نعمت هستند و شما خدمتگزار.



عدالت، مقتضیاتی دارد و بالاترین حق مردم بر شما، برخورداری از عدالت است. عدالت قضائی و کیفری در محاکم و دادسراها تا ضابطین و کارگزاران.

۸- امام اخلاق و عرفان و مبدء و معاد را در سیاست و حقوق و قضا وارد کرد. امام اخلاقی بود و عالم را محضر خدا می دانست. ظلم را در هیچ قاعده و با هیچ توجیهی قبول نمی کرد. سرستیز با جابره داشت و مستضعفین را نور چشم می پنداشت. و برای احقاق حقوق مظلومان و مستمندان قیام کرد. و خدمت به پا برهنگان و کوخ نشینان را بزرگترین عبادت می دانست.

۹- در منطق امام، دفاع از مظلوم، ژست و تعارف تصنعی نبود. باور داشت و برای آن هزینه می پرداخت. امام (ره) اهل تکلف و خود بزرگ بینی نبود. در مکتب امام عبودیت و بندگی خداوند و خضوع و خشوع که رمز موفقیت، دین باوری و خدمتگزاری است.

۱۰- دغدغه امام حفظ استقلال دستگاه قضا، وارد نشدن در بازی های قدرت و مناسبات ناسالم آن، لوث کردن عدالت و بی قیدی به کرامت و حقوق انسانی بود. امام قوه قضائیه پاک و مقتدر می خواست.

سیاست عام امام عدالت بی قید و شرط بود. زد و بند و تسامح در برابر مفاسد و گردنکشی در برابر مردم و عملة ظلمه بودن و رفتارهای یک بام و دو هوا در قاموس بنده خدا خمینی بزرگ جایی نداشت.

۱۱- امام انسان را و انسانیت را پاس می داشت. بنا بر حدیث قدسی خلق آدم علی صورته، انسان را تجلی الهی و صورتی از صور الهی و مصداق رحمت رحمانیه حق می دانست. امام در اوج کرامت باوری بود. سیره او در برخورد با مخالفان و رفتار با عموم این نظر را ثابت می کند.

۱۲- میزان الموازین و مکیال المکائیل امام حق بود. محال بود جایی حق را تکشف کرده باشد ولی خلاف مسیر آن تحت عنوان مصلحت، نظم عمومی، ملاحظه این و آن برود.

۱۳- در سلوک امام حق پابرنه ها و مستضعفین اشرف و اعلی حقوق بود.

۱۴- قوه قضائیه مد نظر امام، تمام قد مدافع حق مردم بود. امنیت و عدالت را نه برای حاکمان که برای توده و اکثریت مردم می خواست. قوه قضائیه ای که با فساد در اشکال مختلف

آن مقابله کند. دستگاه قضائی که با رانت خواری، سفله پروری، رشوه و دزدی و یقه سفیدهای سازمان یافته برخورد کند. تار و پود اندیشه امام، حفظ حقوق مردم بود. آزادی مردم، کرامت مردم، شفافیت حاکمیت، پاسخگویی، عدم مداخله در حریم خصوصی، بارگذاشتن حوزه عمومی، در چارچوب اسلام روح کلام روح الله بود.

۱۵- امام قضا را طفیلی سیاست نمی خواست. شأن قاضی را تالی تلو معصوم می دانست و مسندنشینان قضا را از ساحت ناشناس حریم قدسی قضاوت اکیداً بر حذر می دانست.

۱۶- فقدان دانش و تخصص و عدم بهره از تجربیات مدیریتی - قضائی را یکی از مصادیق فقدان عدالت می دانست.

۱۷- حکومت قانون و ضابطه را با رویکرد قانون برابر برای برابرها یک اصل بنیادین تلقی می کرد. و این مقام را امانت الهی می دانست و امانتداری را از وظائف ذاتی آن می دانست و رسالت بر پا داشتن عدالت را در متن آن قرار می داد. خداوند در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره مبارکه نساء می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

۱۸- نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر در مرحله نخست وظیفه ذاتی ولایت امانتداری و عدالت پروری است. و امانت و عدالت در متن وظائف قضات و دستگاه قضائی نهفته است. و الا موضوعیت آن محدودش خواهد بود.

الحق آیات شریفه ۵۸ و ۵۹ سوره مبارکه نساء خود درس بزرگ حکومت و حکومت داری، قضات و حق مداری در منازعات و مشاجرات فصل خصومات است. و خود کتاب بزرگ حاکمیت و قضاوت در فرهنگ اسلامی و در پیشگاه خداوند سبحان است. در برابر حاکمان و دستگاه قضا، یک فریضه در منطق امام بود.





۱۹- تشخیص قاضی و مرتبت قضائی اگر چه بسیار بالا و والا بود اما خروجی آن، نوکری مردم و خدمتگزاری به ولی نعمتان انقلاب بود.

۲۰- ارتقای خروجی دستگاه قضا به فرموده رهبری مستلزم پاک دستی است. با دستمال پاک می شود فضا را از ناپاکی زدود.

باید اخترٌ للحکم بین الناس افضل رعتیک فی نفسک ممّن لا تضیق به الامور اِلی ان قال اوقفهم فی الشبهات و آخذهم بالحجج و اقلهم تبرماً بمرأجعه الخصم و اصبرهم علی تکشف الامور و اصرمهم عند اتّصاح الحکم میدان دار باشند. سیستم و سامانه قانونمدار یک طرف و انسانهای عاشق و دوستدار انسانیت و کرامت باوری یک طرف دایر برمدار حقوق بشر و شهروندی و مستلزم به مقتضای عدالت در تمشیت امور قضا.

#### قوه قضاییه تا رسیدن به نقطه مطلوب نظر امام فاصله دارد

۹۰/۴/۷- دادستان اسبق کل کشور با بیان اینکه امام با امتیاز دادن به اشخاص به صورت خاص مخالف بودند تاکید کرد که دستگاه قضایی تاکنون نتوانسته منویات امام را از حیث اجرای عدالت بخوبی اجرا کند.

آیت الله مرتضی مقتدایی در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران در تحلیل خود از ابعاد شخصیتی امام(ره) با بیان اینکه امام(ره) دارای ابعاد شخصیتی مختلف و ممتازی بودند اظهار داشت: امام از نظر علمی یک فقیه روشن، یک فیلسوف وارسته و فرزانه و یک عارف کامل بودند که شاگردان مجتهد و عالم فراوانی تربیت کردند.

مدیر شورای عالی حوزه علمیه قم ادامه داد: تالیفاتی که به قلم امام(ره) نوشته شده اکنون در حوزه مورد استفاده است.

مقتدایی امام(ره) را یک زاهد واقعی دانست که ساده زیستی او موجب تعجب شخصیت‌های سیاسی می شد و گفت: امام(ره) چه در زمان طلبگی و چه زمانی که استاد بزرگ حوزه بودند در یک خانه محقر زندگی می کردند و بعد از پیروزی انقلاب که به عنوان رهبر نظام جمهوری اسلامی معرفی شدند باز حضرت امام زندگی ساده و بی آلاشی داشتند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان اینکه شیوه زندگی امام (ره) برای مسئولین نظام یک الگو بود افزود: زندگی امام و بیت ایشان در قم و در جماران برای مهمانان خارجی که به ایران می آمدند اعجاب انگیز بود و از اینکه می دیدند رهبر انقلاب ایران در چنین خانه محقری زندگی می کنند تعجب می کردند.

مقتدایی انس امام با خداوند متعال را از دیگر ابعاد برجسته شخصیت امام دانست و گفت: امام هر چه می گفت و هر اقدامی که می کرد برای خدا بود و یک اعتقاد و اعتماد خاصی به قدرت خدا داشت و از این جهت تمامی ابر قدرتها در نظر امام هیچ بود، اینکه امام فرمودند آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند واقعیتهای نشأت گرفته از این دیدگاه بود.

وی همچنین امام را یک سیاست مدار به تمام معنا دانست که سیاست مداری را از دین و قرآن و کلام اهل بیت می گرفت، سیاستی که همراه با صداقت و بر اساس تفکر صحیح رعایت اصول و قواعد شرعی بود نه دروغ و خیانت.

مقتدایی در پاسخ به سوالی در رابطه با رعایت عدالت در دستگاه قضایی در دوران امام خمینی گفت: امام بر این نظر بودند که پس از پیروزی انقلاب همه قوا باید براساس اسلام و عدل اداره شود مخصوصاً قوه قضاییه که کار قضاوت کردن را بر عهده داشت و می بایست قاضی مجتهد عادل باشد.

وی با بیان اینکه در دستگاه های دیگر برای قبول مسئولیت شرط عدالت وجود ندارد گفت: امام بر شرط عدالت برای قضاوت کردن تاکید داشتند و بر رعایت حقوق مردم به خصوص حقوق اجتماعی آنها اصرار می ورزید.

مدیر شورای عالی حوزه علمیه قم افزود: امام (ره) می فرمودند مردم ما قانع هستند اما بی عدالتی را تحمل نمی کنند، امام با امتیاز دادن به اشخاص به صورت خاص مخالف بودند و این را مغایر عدالت اجتماعی می دانستند.

مقتدایی در پاسخ به اینکه آیا دستگاه قضایی پس از رحلت امام (ره) توانست منویات امام را برآورده سازد گفت: خیر، ما به نقطه مورد نظر امام نرسیده ایم.



وی تصریح کرد: وضع عمومی کشور خوب است اما هنوز انحرافات و وجود دارد که باید مراقب آن بود، دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی و قضایی باید تلاش بیشتری در شناسایی مفسدین و مجازات آنها داشته باشند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پاسخ به اینکه کدام بخش از اندیشه امام را نیازمند بازخوانی مجدد می‌دانید گفت: امام منادی وحدت بودند و بر وحدت امت اسلام تاکید می‌کردند و این موضوع را در زمان حیات خود به مرحله اجرا رساندند.

مقتدایی ادامه داد: ما شاهد بودیم که در جنگ تحمیلی اقشار مختلف شیعه، سنی، ترک، کرد و لر همه به دستور امام و عشق امام در جبهه حاضر می‌شدند.

وی خاطر نشان کرد: امروز ما نیازمند آن وحدتی که امام بر آن تاکید فراوان داشت هستیم، باید از ایجاد اختلاف بین سیاستمداران و میان اقشار مختلف که از سیاست‌های دشمن است پرهیز نمود.

مقتدایی تاکید کرد: باید هوشیار باشیم تا اختلافات میان مسئولان که امری طبیعی است در رسانه‌ها و در انظار عمومی مطرح نشود و مشکلات را بین خودمان حل کنیم.

وی متذکر شد: ما باید در این زمان که اندیشه امام موجب خیزش اسلامی در دیگر کشورهای منطقه شده است با وحدت میان خود الگویی برای امت مسلمان باشیم، کشورهای منطقه نباید شاهد اختلاف و دو دستگی در میان ما باشند.

مدیر شورای عالی حوزه علمیه قم همچنین در پاسخ به اینکه با توجه به تاکید امام بر وحدت حوزه و دانشگاه فکر می‌کنید حوزه و دانشگاه در رسیدن به این وحدت و ایفای نقشی که برعهده آنها بوده موفق بودند؟ گفت: همانطور که امام فرمودند حوزه و دانشگاه دو بال عینی برای ترقی هستند و هر کشوری که بخواهد پیشرفت کند باید این دو بال را باهم داشته باشد.

مقتدایی تصریح کرد: مراد از اتحاد حوزه و دانشگاه یکی شدن آنها نبود بلکه هدف همکاری این دو باهم بوده است.

وی اظهار داشت: برای رسیدن به این هدف تلاش شده است اما نتیجه حاصل شده در حد

مطلوب نیست و توصیه می‌کنم برادران ما در حوزه و دانشگاه اهتمام بیشتری به وحدت حوزه و دانشگاه داشته باشند.

### دور شدن از آرمانهای امام

۹۰/۴/۷- مجید انصاری طی مصاحبه‌ای در باره دور شدن جامعه از آرمانها و اندیشه‌های امام خمینی گفت: اخلاق در مفهوم کلی و وسیع کلمه بسیار فراگیر است و می‌تواند فلسفه بسیاری از آموزه‌ها، احکام و شریعت و دین باشد. بنابراین انقلاب اسلامی ما هم که براساس اندیشه سیاسی امام شکل گرفت و با همت ایشان و اتحاد مردم به پیروزی رسید تبعاً همین هدف متعالی را دنبال می‌کرده است. به هر میزان که جامعه پایبند به رعایت قوانین و دستورات شرع و انضباط برآمده از متن قانون باشد مطمئناً به اخلاق و نتایج اخلاق نزدیک‌تر است، نفس قانون‌شکنی چه قوانین موضوعه کشور و چه دستورات قوانین شرع، خود نمود بارزی از بی‌اخلاقی است. حضرت امام در زندگی شخصی‌شان به صورت تمام‌عیار به اخلاق پایبند بودند همه رفتار، گفتار و کردار ایشان در محیط زندگی، جوانی و حتی نوجوانی‌شان و بعد از آن در محیط طلبگی، علمی و مرجعیت خودشان و نیز در طول حیات سیاسی‌شان چه قبل و چه بعد از انقلاب یک الگوی تمام‌عیار از پایبندی یک انسان به مبانی اخلاق آن هم اخلاق ناب منطبق با فطرت انسان و منطبق با شرع بوده است. در این میان خاطرات زیادی از حضرت امام است و بعضاً ممکن است بسیار جزئی و کوچک به نظر بیاید اما مجموع اینها یک سامان منسجم را در فکر امام و رفتار امام نشان می‌دهد که چارچوب کلی آن همان مکارم اخلاق الهی است. من اخیراً کتاب تازه انتشار یافته خانم دکتر طباطبایی عروس حضرت امام مطالعه را می‌کردم دیدم که حقیقتاً از جزئی‌ترین جزئیات در زندگی شخصی امام از برخورد با فرزندان‌شان گرفته تا نحوه خواستگاری برای فرزندان‌شان توصیه‌هایی می‌کردند که رعایت اخلاق در برخورد با حقوق‌همسر و فرزند آن هم در محیط به شدت محدود و تحجرزده ۶۰ سال پیش نشان می‌دهد که ما اکنون با اندیشه‌های امام خیلی فاصله داریم.

شما رفتار حضرت امام را به عنوان یک مسلمان آگاه و یک روحانی و یک مرجع تقلید



عالم با رفتار خودمان در زندگی شخصی و خانواده ببینید که تا چه میزان به موازین اخلاقی پایبند هستیم امام با اینکه هیچ نیازی به حضور در کلاس درس آیت‌الله بروجردی از حیث علمی نداشت ولی برای هدف متعالی‌تر که تقویت مرجعیت و تقویت حوزه علمیه در برابر تهدیداتی که حوزه و اسلام را مورد هدف قرار داده بود پشت پا به تمام خودبینی‌ها و تکبرها می‌زند و همراه با شاگردانشان سر درس آیت‌الله بروجردی می‌نشیند. برخورد امام با تمام اقشار مردم چه قبل و چه بعد از انقلاب واقعاً یک منظومه‌ای از رفتار اخلاقی تمام‌عیار است که اگر ترسیم و به درستی تبیین بشود برای ما کافی است.

حجت الاسلام والمسلمین مجید انصاری در باره توصیه‌های حضرت امام به ایشان در زمان تصدی سازمان زندانها و مباحثی که اپوزیسیون خارج از کشور مطرح می‌کند اظهار داشت:

اولاً باید بگویم که اپوزیسیون دچار یک اشتباه خواسته یا ناخواسته شده است. حوادثی در سال ۶۷ در زندانها اتفاق افتاد که بعضاً در تحلیل‌های خود در ارتباط با این موضوع اسمی از من هم می‌برند در حالی که بنده در ۱۹ خرداد ۶۳ به عنوان نماینده شورای قضایی در دادگاه و دادسرا مسئولیت گرفتم و بعدها با اقداماتی که شد سازمان زندانها تاسیس شد و به عنوان رئیس سازمان زندان منصوب شدم و در دی‌ماه سال ۶۶ به دلیل اینکه می‌خواستم در انتخابات مجلس سوم شرکت کنم باید از سمت خود استعفا می‌کردم عملاً هم در ۷ خرداد ۶۷ مجلس سوم شروع شده بود و بنده عضو مجلس بودم و در سازمان زندانها دیگر سمتی نداشتم. نفس پذیرش مسئولیت در امور زندانها گرچه از سوی شورای قضایی صورت گرفت ولی به نوعی به دلیل حساسیت و پیگیری مدام حضرت امام نسبت به مسائل زندانها انجام شد چون گزارشات از رفتار برخی از زندانبانها و بازجوها با زندانبان خدمت حضرت امام می‌رسید. در فضای ملتهب سالهای ۶۱ و ۶۲ که گروهک‌های تروریستی فعال بودند در برخی از زندانها و بازجویی‌ها در دادسراها برخوردارهای تندی با زندانبانها صورت می‌گرفت به همین دلیل گزارشات خدمت حضرت امام رسیده بود که حضرت امام هیأتی شامل آقایان دعایی، محمدعلی هادی نجف‌آبادی، علی محمد بشارتی و سیدهادی خامنه‌ای را مأمور کرده بودند که گزارشات در خصوص وضعیت زندانبانها

تهیه کنند. از آنجا که بعد از تهیه گزارش منتج به یک اقدام عملی روشن نشد شورای عالی قضایی به بنده مأموریتی دادند به عنوان نماینده شورای عالی در دادگاه‌ها و دادستانی که در فاصله ۶ ماه گزارش مستقیم و مداوم از درون زندان‌ها به خصوص زندان‌های اوین، رجایی‌شهر، قزل‌حصار، توحید و عمدتاً زندان‌های تحت پوشش دادگاه انقلاب تهیه کردم و این گزارش را که نتیجه گفت و گو با بیش از ۱۰۰ نفر از زندانیان بود به رئیس‌جمهور وقت که آیت‌الله خامنه‌ای بودند و نیز رئیس مجلس وقت یعنی آقای هاشمی رفسنجانی و نیز شخص حضرت امام دادم.

نتیجه گزارش من به مسئولین و حضرت امام منجر شد که در دادستانی انقلاب تغییراتی صورت گیرد. در آن زمان آقای لاجوردی مسولیت دادستانی تهران را بر عهده داشتند که تمام زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها زیر نظر ایشان بود و در نهایت مسولیت از آقای لاجوردی گرفته شد.

در ارزیابی علت بی‌قانونی‌های صورت گرفته معلوم شد پراکندگی دستگاه‌های مختلف تصمیم‌گیر در زندان و بازداشتگاه‌ها و وجود بیش از ۱۰ دستگاه مختلف یکی از علل این معضل بود. بنده بعد از پذیرش مسولیت راه حل را در این دیدم که باید تمرکز به وجود بیاید و مدیریت زندان از دستگاه‌های امنیتی - انتظامی جدا شود و حتی از دستگاه قضایی به معنای دادرها جدا شود که در نهایت منجر به قانون تاسیس سازمان زندان‌ها شد. این قانون با هماهنگی‌هایی که با مسئولان انجام دادم و گزارش‌هایی که اشک بعضی‌ها را هم در آورد زمینه تصویب قانون سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور شد که روح اصلی حاکم بر این قانون این بود که همه زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها باید تحویل این سازمان شود و هر بازداشتگاه و زندانی که خارج از سازمان زندان‌ها باشد غیرقانونی است و رئیس سازمان زندان‌ها با مسولیت روشن از رئیس دستگاه قضایی تعیین می‌شد که آن زمان شورای قضایی بود. در زمان مسولیت من چهار پنجم زندانی‌ها که گروهکی بودند آزاد شدند.

حضرت امام مکرر به من می‌فرمودند که اگر افرادی تحت تأثیر بودند و فریب خوردند و احساس می‌کنید قصد و نیت خاصی نداشتند و آزادی آنها مضر بر جامعه نیست و دست به ترور و جنایت نمی‌زنند، اقدام کنید. ما هم با کمیته دادران، سازمان زندان‌ها و دادستان‌های هر استان



مرتب لیست‌هایی را تهیه می‌کردیم و به مناسبت‌های مختلف خدمت حضرت امام می‌فرستادیم.

حضرت امام در کار زندان‌ها بسیار حساس بودند به طوری که وقتی من مصاحبه‌ای کرده بودم راجع به امور زندان‌ها مرحوم حاج احمد آقا به محض اینکه رفتم دفتر فرمودند امروز راجع به مصاحبه‌ای که کردید حضرت امام حساس بودند و گفتند از فلانی. پرسید جریان چیست؟ یا گاهی نامه‌های عادی که درباره مسائل زندان خدمت امام ارسال می‌شد حضرت امام ذیل نامه دستور رسیدگی می‌دادند. اما آنچه که به تعبیری شاه بیت برخورد امام راجع به زندانیان بود زمانی بود که بعد از پنج یا شش ماه از بررسی وضعیت زندان‌ها وقتی گزارشی خدمت ایشان دادم که حکایت از برخی انحرافات و سوء رفتار داشتند به شدت از این موضوع ناراحت شدند و تأکید کردند که این روند اصلاح شود. انجام برخی از دستورات و اقدامات ایشان مستلزم این بود که نیروهای قابل اعتقاد و خوش فکر و سالم را از بیرون به مجموعه وارد کنم که این احتیاج به مجوز قانونی استخدام و پول داشت که پروسه طولانی باید طی می‌شد که حضرت امام به من گفت " برو انجام بده " و من براساس همین دستور امام انجام دادم، چون اگر می‌خواستم دنبال طی کردن مراحل قانونی باشم معلوم نبود انجام اصلاحات مورد نظر انجام می‌پذیرفت یا نه؟ البته من بعدها شنیدم مرحوم لاجوردی خدمت حضرت امام رفته بودند و در آنجا از جنایتهای منافقین صحبت کردند و گزارش مفصلی خدمت امام دادند، امام فرمودند " آقای لاجوردی اگر جمهوری اسلامی به دست اینها (منافقین) ساقط شود بهتر از آبروی اسلام است که با این کارها (خودسری‌های داخل زندان) برود. شما بروید مسئولیت را تحویل دهید ". چون آقای لاجوردی مسئولیت را تحویل نمی‌دادند. من در آن زمان برای ایجاد گشایش در امر زندانیان و پرسنل زندان درخواستی از حضرت امام کردم که نیازمند امکانات بسیار وسیع و باارزشی بود. همینکه من خدمت امام این درخواست را مطرح کردم بدون معطلی حضرت امام به مسئول بنیاد آن زمان و نیز نخست‌وزیر وقت جناب آقای مهندس موسوی دستور دادند که امکانات در اختیار ما قرار گیرد. حضرت امام بارها تأکید می‌کردند که برخورد با زندانیان صددرصد باید منطبق با قانون باشد و اگر کسی جنایت کرده و حتی انسان کشته و قرار است قصاص شود کسی حق ندارد برای اینکه این فرد

محکوم به عدام هست یک سیلی اضافی به او بزند. ایشان بحث کرامت انسانی و حقوق افراد را مورد تاکید قرار می‌دادند، امام می‌فرمودند با متخلف برخورد قاطع شود اما در چارچوب قانون.

انصاری در باره دیدگاه حضرت امام نسبت به آزادی بیان و مسایلی که در این زمینه مطرح می‌شود گفت: متأسفانه گاهی چینش‌های گزینشی برخی از گفتارها یا نوشتارها با حذف صدر و ذیل آن موجب سوء برداشت می‌شود و بعضی از گروه‌ها و اشخاص یا جریاناتی که می‌خواهد استفاده ابزاری کنند ممکن است از آن استفاده ابزاری کرده و برخورد طنزگونه‌ای نسبت به رهنمودهای امام دارند. باید سخنان امام را در موقعیت همان زمان بررسی کرد. در شرایطی که یک ملت تحت فشار تمام‌عیار دشمنان خودش قرار گرفته است که ترسیم شرایط آن برای نسل سوم و چهارم غیر ممکن است یعنی فقط نسل ما می‌تواند توصیف کند که چه شرایطی در آن زمان حاکم بوده است. خیلی سخت است یک کشور بعد از ۵۰ سال استبداد شاهنشاهی انقلاب کرده باشد و نظامی را تشکیل داده که بعد از انقلاب هم بلافاصله جبهه‌های مختلفی علیه او گشوده شد. از همه مهم‌تر جنگ تحمیلی که از ۸ میلیارد دلار در آمد سالانه ۲/۵ میلیارد دلار آن مستقیم خرج جنگ می‌شد و همین‌طور توطئه‌های منافقین در آن زمان که دموکراتیک‌ترین کشورهای دنیا در قرن ۲۱ هم در چنین شرایط اضطراری بسیاری از آزادی‌های خود را محدود می‌کنند ولی در یک چنین بحرانی حضرت امام پایبند به موازین اخلاقی بود که با مردم میثاقش را بسته بودند یکی از آن بحث آزادی مردم در انتخابات بود امام یک روز هم به بهانه‌ای اینکه جنگ داریم از خیر انتخابات نگذشتند حتی در شهرهایی مثل آبادان و قصر شیرین که ساکنان آن مهاجرت کرده بودند یا اگر شورای نگهبان می‌خواست به هر بهانه‌ای جلو آزادی مردم را بگیرد امام مقابل آن می‌ایستادند یا اگر می‌خواستند به بهانه‌هایی انتخابات را به نفع یک جریان مهندسی کنند، امام طرف آزادی مردم را می‌گرفتند. اینکه حضرت امام برای تحقق جمهوریت نظام شخصاً پای کار ایستاده‌اند و سعی کنند مردم در میدان انتخابات آزاد باشند این یک رفتار اخلاقی است. سوال من در بیست و دومین سالگرد حضرت امام این است که آیا رفتار انتخاباتی ما مثل رفتار انتخاباتی دوران حضرت امام است یا نیست؟ اگر هست که باید سجده شکر به جا آوریم و اگر





بهتر شده دو تا سجده شکر به جا آوریم و البته لازمه مسلمان بودن این است که باید بهتر می‌شد چون مسلمان دو روز آن نباید مثل هم باشد ما در مسیر انتخابات و مردم‌سالاری و دموکراسی دینی می‌بایست شاخص‌هایمان ارتقاء یافته‌تر از دوران امام باشد چون آن زمان دوران گذر از استبداد بود امروز ما در سی و دوسالگی پیروزی انقلاب هستیم ولی اگر واقعاً با شاخص‌های انتخابات سالم، آزاد و رقابتی عقب‌گرد داشتیم باید بنشینیم و در رفتار خودمان تجدیدنظر کنیم و من نمی‌خواهم هیچ‌کسی را متهم کنم. بنده از کسانی هستم در انتخابات مختلف شرکت کردم من امروز به عنوان یک فردی که در انتخابات دور اول مجلس به عنوان جوان‌ترین کاندیدا از شهر زرنند کرمان کاندیدا شدم و در یک رقابت تنگاتنگ توانستم پیروز شوم و تا ۴ دور دیگر هم از تهران در مجلس‌های مختلف بودم با صراحت عرض می‌کنم که بسیاری از شاخص‌های سلامت انتخابات که مورد نظر قانون اساسی و مورد نظر شخص امام بوده و مردم بر این اساس با این نظام میثاق بستند به شدت عقب‌گرد داشته و به هیچ وجه قابل مقایسه با شاخص‌های آن زمان نمی‌باشد.

انصاری نسبت راجع به مشکلات قانونی و اجرایی وضعیت فعلی افزود: قانون هم به تدریج براساس گرایش و تشخیص یا تفسیر ناصحیح برخی محدود شده است. سلب آزادی شرعی از مردم با استفاده قانون هم یک بد اخلاقی است. قانون محترم است و باید محترم شمرده شود اما اگر چاقوی قانون بر گلوی عدالت تیز شود دیگر محترم نیست. البته معنای آن این نیست که بی‌قانونی شود باید با روش‌های خاصی قانون اصلاح شود. براساس دید فقهی حضرت امام عدالت و اخلاق در سلسله علل احکام هستند این نکته مهمی است. یعنی اگر دیدیم یک قاعده یا یک رفتاری بر خلاف عدالت هست باید بدانیم آن غیراسلامی است. حضرت امام هم بحث عدالت و بحث اخلاق را در واقع یکی از علل احکام می‌داند و ما براساس حفظ کرامت انسانی باید شاخص بسازیم و با این شاخص قانون بسازیم و برنامه‌سازی کنیم و اگر قرار باشد با انگیزه سیاسی قانونی تدوین و تصویب شود و دستورعملی تهیه شود که حرمت انسانی را زیر پا بگذارد و آزادی رای مردم را سلب کند با سیره امام و اخلاق سیاسی امام مغایرت دارد.

انصاری همچنین راجع به تحولات منطقه خاورمیانه و تأثیر اندیشه‌های امام خمینی در این

تحولات اظهار داشت: من فکر می‌کنم نفس وقوع انقلاب اسلامی در ایران که در اوج خفقان حاکم بر ایران و بر رژیم‌های منطقه بود خود به خود الهام بخش شد، حضرت امام وقتی از صدور انقلاب حرف می‌زدند، بعضی‌ها امام را متهم می‌کردند که قصد مداخله در امور کشورهای دیگر را دارد. برخی افراد و گروه‌های تندرو از این موضوع استفاده ابزاری می‌کردند و می‌گفتند جمهوری اسلامی می‌خواهد بحث صدور انقلاب را دست‌آویزی برای مداخله مستقیم در امور کشورهای دیگر کنند، امام با صراحت این را رد کردند و فرمودند منظور از صدور انقلاب یعنی الهام بخشی مفاهیم و ارزش‌های انقلاب از یک سو و الهام بخشی رفتار مردم ایران از سوی دیگر. صدور انقلاب یعنی اینکه مردمی در برابر ظلم و زور، خوف و هراسشان بریزد. برافتادن لکنت از زبان شهروندان در برابر حاکمان زورگو درسی بود که از انقلاب گرفتیم. البته همینطور که در سایر مسائل اجتماعی تأثیرات فوری نیست و تحولات کند صورت می‌گیرد و همان‌طور که امام می‌فرمودند گاهی یک نسل و دو نسل باید بگذرد تا تأثیرات مثبت و یا منفی یک جریان ظاهر شود، به نظر من پیروزی انقلاب اسلامی هم به لحاظ شکل و هم به لحاظ محتوا الهام‌بخش بوده است. به لحاظ محتوا از این جهت که قبل از پیروزی انقلاب در خود ایران بسیاری از جوان‌ها به علت تحریفی که در مباحث اسلامی صورت گرفت از مسلمان بودن خودشان خجالت می‌کشیدند، در دانشگاه خجالت می‌کشیدند که بگویند من مسلمان هستم، مسلمانان سر به زیر و توسری خور بودند و زود تسلیم می‌شدند گرچه امروز هم بعضی‌ها می‌خواهند یک تصاویری از اسلام بسازند که تصاویر خرافی و غیراخلاقی است که دوباره موجب شده برخی از مسلمان بودن خودشان خجالت بکشند. ولی من به صراحت می‌گویم این اسلام‌های بدلی و خرافی که امروز در ایران ترویج می‌کنند یا اسلام خشونت‌گرای و انحصارطلبی که در جاهای دیگر ترویج می‌دهند هیچ‌سختی با اسلام واقعی ندارد. ولی محتوای اسلامی که امام مبلغ آن بودند و موتور محرک انقلاب اسلامی شد اسلامی که در کنار مردم برای کرامت و آزادی مردم به صحنه آمد و غرور آفرین و الهام‌بخش شد و این محتوا در طول این ۳۰ سال صادر شد چون در زمان خود حضرت امام با تبلیغاتی که در زمان جنگ می‌کردند یک غباری بر این مسئله نشسته بود که به



تدریج حقایق خودش را نشان داد، از سویی عدم کارآیی روش‌ها یا مکتب‌هایی که در دنیای غرب در کشورهای اسلامی بود در عمل برای مردم مسلمان جواب نمی‌داد. مردم دنیا دیدند آن اصل مهمی که توانست در ایران کمر رژیم شاه و آمریکا را بشکند حضور همه مردم در صحنه بود. حضرت امام هیچگاه قبل از انقلاب با مبارزه مسلحانه با رژیم شاه موافقت نکرد. امام می‌فرمود با آگاهی مردم به پیروزی می‌رسیم. به نظر من این رفتار و تجربه در ایران موفق بود و خود به خود بعد از ۳۰ سال کشورهای اسلامی احساس کردند یگانه راه پیروزی همین است. البته مثل هر حرکت اجتماعی دیگر وجود بسترها و مقتضیات زمان و مکان هم موثر است یعنی همچنان که همین مکتب فکری حضرت امام در سال ۴۲ جواب نداد، یک بستر ۱۴ یا ۱۵ ساله‌ای را می‌طلبید تا پخته شود و قبل از آن هم در دوران مشروطیت جواب نداد یا اگر جواب داد زود منحرف شد، در کشورهای اسلامی هم به نظر من بذر انقلاب اسلامی به لحاظ محتوای انقلاب اسلامی که اسلام صلح‌خواه، عقلانی و دور از خرافات است پاشیده شد. و این ۳۰ سال الزام و اجباری است که در فرآیند تکامل در آغاز قرن ۲۱ طی شده و آمریکا ناگزیر است از شعار دموکراسی حمایت کند در این بستر است که حرکت‌های منطقه شکل گرفت و به پیروزی رسید و می‌توان گفت بیداری اسلامی است از این جهت که مسلمانان‌ها بدون نفی هویت اسلامی‌شان این موضوع را تحقق می‌بخشند.

مسلمان‌ها یکی از دلخوری‌هایشان در این کشورهای اسلامی قطعاً برخی رفتارهای غیراسلامی بوده که حکومت‌های آنها داشتند و مایل هستند حکومت‌هایشان، حکومت‌هایی باشند که نسبت به دین بی‌اعتنا نباشند بلکه می‌خواهند حاکمانشان به دین پایبند باشند، حتماً مردم مصر علاقه‌مند هستند که حاکمشان طبق موازین اسلام و موازین شرع حکم درست بدهند و این الزاماً به معانی این نیست که ما حکومت دینی ارائه می‌کنیم، ولی آنها مایل نیستند بر خلاف قرآن و اسلام عمل شود، ممکن است که زندگی مسالمت‌آمیز با اسرائیل را به عنوان یک ضرورت نفی نکنند ولی حتماً قراردادهای ذلت‌بار سازش یک طرفه با اسرائیل را از این پس قبول نخواهند کرد و به همین سبب شما می‌بینید که یک تحولی در فلسطین به وقوع پیوسته است. بنابراین این

حرکت‌ها را مثبت تلقی می‌کنم که به نظر من به روح اسلام نزدیک است، اسلام می‌خواهد اتکا امور بر اراده مردم باشد نه به اراده ۴ نفر حاکم، ما می‌گوییم این حرکت حرکت اسلامی است و معنای حرکت اسلامی این است که آزادی مغایر با اسلام نیست. بنابراین من می‌توانم بگویم این تحولات متأثر از انقلاب اسلامی است البته نه صددرصد، بلاخره خودشان هم زمینه‌ها و آگاهی‌هایی دارند و چون مردم مسلمان مایل هستند به مقدسات آنها احترام گذاشته شود می‌توان گفت به نوعی انگیزه اسلامی در آن وجود دارد ولی اگر فکر کنیم که اینها یک انقلابات اسلامی است برای تشکیل حکومت‌های خاص انقلابی نه چنین ادعایی نمی‌توان کرد.

انصاری در باره بعضی رفتارهای امروز که مخالف اندیشه‌های امام است گفت: به طور مشخص من بر سه نکته تأکید دارم، نکته اول صداقت و راستگویی است، طی چند سال گذشته دروغ‌گویی در سطح رفتار اجتماعی و حکومتی به راحتی آب خوردن شده است و برخی از مسئولین آمار غلط و وعده دروغ می‌دهند، در همه زمینه‌ها. ببینید ادعای اینکه این دولت قانون‌مندترین دولت تاریخ ایران است از دید من یک ادعا و دروغ بزرگ است که در محضر مردم ایران شده است در حالی که به گواهی گزارش دیوان محاسبات کشور از تفریغ بودجه بیشترین تخلفات از قانون بودجه سنواتی در این دولت‌ها انجام شد، به گواهی گزارشات سازمان بازرسی کل کشور و به بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و دستگاه‌های نظارتی دیگر بسیاری از آمارهایی که گفته می‌شود نادرست است، یا همین ادعای قانون‌گرایی، خوب این چه ادعایی است در حالی که فریاد مجلس بلند است که وزیر ورزش را معرفی نمی‌کند، (هنگام انتشار مصاحبه وزیر مربوطه معرفی شد) ادغام وزارت‌خانه‌ها به این صورت خلاف اصل قانون است، تعیین سرپرست برای برخی از وزارت‌خانه‌ها خلاف قانون است سرپرستی رئیس‌جمهور بر وزارت نفت خلاف قانون است ندادن پول مصوب متروی شهرهای مشهد و اصفهان و تهران علی‌رغم تصویب مجلس و تأیید مجمع تشخیص مصلحت خلاف قانون است و صدها مورد که از روز روشنتر است که اینها خلاف قانون عمل شده و ادعای اینکه این دولت قانون‌مندترین دولت تاریخ ایران است یک ادعای کذب است. مسئله دوم پایبندی به



کرامت و آزادی رای مردم است، الآن هم در سال انتخابات مجلس هستیم، میراث بزرگ حضرت امام(ره) جمهوری اسلامی بوده است و ما نباید جمهوریت نظام را به بهانه اسلامیت فدا کنیم که اگر فدا کنیم اسلامیت هم همراه جمهوریت و حتی زودتر از جمهوریت فدا خواهد شد. لذا من فکر می‌کنم احترام به جمهوریت و برگذاری انتخابات سالم رقابتی یکی دیگر از مسائلی است که باید با تکیه بر اندیشه‌های امام به آن توجه کرد و نکته بعد هم همان موضوع عمومی اخلاق است. موضوع رعایت اخلاق در برخورد با رقیب و رعایت انصاف و برخورد با مخالف و رعایت قانون، اخلاق و انصاف است. این اصول مواردی است که مغفول مانده است. البته اگر بخواهم نکته چهارمی هم به آن اضافه کنم مسئله روشن‌فکری و روشن‌بینی دینی است. این چهره ترسناک خرافاتی که امروز از اسلام به خورد مردم داده می‌شود و ادعاهای عجیب و غریب راجع به امام زمان و راجع به هاله نور و ارتباطات با رمالی درست نیست، کار ما دیگر به جایی رسیده که در قرن ۲۱ باید در زندان‌هایمان مشاوران رمال و جن‌گیر باشند و یا مشاوران دستگاه‌های دولتی از رمال و جنگیران باشند، ما در گذشته هشدار می‌دادیم و به ما می‌خندیدند و می‌گفتند شما دارید ما را متهم می‌کنید و چوب لای چرخ مامی گذارید اما امروز اینها واقعیت خارجی یافته است، اینها مجموعه دغدغه‌هایی است که در اندیشه امام(ره) وجود داشت و باید در جهت همسو شدن به این اندیشه‌ها تلاش کرد.

#### وضع معیشتی سختی در جامعه حاکم است

۹۰/۵/۱۳- یادگار امام راجل گفت: جامعه‌ای که بوی منیت می‌دهد، نمی‌تواند رنگ و

بوی امام بدهد.

حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی که در دیدار اعضای شورای مرکزی حزب مردم‌سالاری سخن می‌گفت، با بیان اینکه بر اساس آیات الهی، عزت تنها از آن خدا، ائمه و مومنین است، اظهار داشت: همه انسان‌ها فراز و فرودهای زیادی در زندگی دارند. تکریم‌های ظاهری قدرت، ارزش چندانی ندارد افراد زیادی در تاریخ آمده و سر و صدای بسیاری به راه



انداخته اند اما امروز کسی آنها را نمی شناسد. اما کسانی بودند که چون در مسیر الهی قدم برداشتند و عزت آنها از سوی خداوند بود، هر قدر هم دشنام شنیدند، محبوب تر شدند. وی افزود: عزت یعنی رخنه در دل های مردم. هیچکس نمی تواند عزتی که خداوند به کسی داده، از او بگیرد. خداوند گاهی اوقات کسی را عزیز می کند که همه می خواهند او ضعیف باشد.. سید حسن خمینی با بیان اینکه حضرت امام خمینی (س) در جامعه ما مظلوم است، گفت: مهمترین دلیل مظلومیت امام این است که آنگونه که باید، امام را نشناخته ایم و آنگونه که واقعیت امام بود، معرفی نشده است. یکی از مهمترین ابعاد وجودی امام این بود که ایشان، منیت را در خود کشته بود. او یک پا روی "من" گذاشته بود و پای دیگر، را در کوی دوست نهاده بود. وی با تأکید بر اینکه جامعه زمانی اسلامی می شود که مسوولان، منیت را کنار بگذارند، اظهار داشت: همه می خواهیم جامعه اسلامی شود اما اگر مسوولان جامعه منیت را کنار نگذارند جامعه هرگز اسلامی نخواهد شد. اگر منیت برداشته شود آن وقت از بسیاری از لغزش ها چشم برداشته

می شود و بر بسیاری از اشک ها، رحمت می بارد.

یادگار امام با بیان شروط الگو شدن امام در جامعه گفت: اگر بخواهیم امام را در جامعه اسوه کنیم باید ویژگی های ایشان را به عنوان یک الگو بدانیم. جامعه ای که بوی منیت می دهد، نمی تواند رنگ و بوی امام بدهد.

سید حسن خمینی با اشاره به نقش کارآمدی، در برتری یک اندیشه، اظهار داشت: بیکاری گسترده و فقر عمیقی در جامعه وجود دارد و وضع معیشتی سختی حاکم است. وی افزود: اگر هزار بار از فوائد یک دارو صحبت شود اما بر مریض موثر نباشد، کسی به آن اعتقاد پیدا نمی کند. حقیقت آن است که مسوولان تلاش می کنند و باید از آنها تشکر کرد ولی از سوی دیگر حقیقت آن است که مشکلات در عرصه های مختلف بسیار است.

سید حسن خمینی در پایان گفت: همه در قبال جامعه مسوولیم همه باید تلاش کنیم تا مشکلات جامعه را حل کنیم و باید جامعه ای بسازیم که بتوانیم آن را "جامعه اسلامی" بنامیم و آن مقدار دارای ارزش باشد که لیاقت تقدیم به صاحب الزمان را یافته باشد.

در این دیدار، دکتر مصطفی کواکبیان دبیر کل حزب مردم سالاری و نماینده مردم سمنان در مجلس شورای اسلامی، دکتر داریوش قنبری، دکتر محسنی، دکتر سیدفاضل موسوی، دکتر دستغیب، دکتر نصیری و دکتر نصیرزاده و تنی چند از اعضای شورای مرکزی حزب مردم سالاری، در سخنانی به ارائه دیدگاه های خود در خصوص فضای سیاسی جامعه، مشکلات معیشتی مردم، وضعیت دیپلماسی کشور و نیز چند و چون انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی و حضور یا عدم حضور اصلاح طلبان پرداختند.

این مراسم با اقامه نماز مغرب و عشاء به امامت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی و ضیافت افطار به پایان رسید.